

Sister Cities: Significance and Effectiveness

Seyed Ali Faal Nazari¹

Mohsen Rostami²

Abstract

In the era of globalization, cities are not merely geographical entities; they are active actors in the international arena, capable of influencing economic, cultural, and social interactions. One of the most important practical mechanisms to realize this role is the sister city or twin city programs, which enable the exchange of experience, knowledge, culture, and economic cooperation among cities. This study addresses the central research question: *What is the importance and effectiveness of sister city relationships?* Using a document analysis approach, empirical evidence, and examination of both international and domestic case studies, the research demonstrates that these relationships, beyond their symbolic aspects, create tangible capacities for strengthening urban diplomacy, sustainable development, and cross-border networking. Findings emphasize that the success of such programs depends on clearly defined objectives, active participation of urban institutions, and attention to cultural differences. Consequently, sister city partnerships serve as a strategic and practical tool for enhancing international cooperation and urban development.

Keywords: cities, sister city partnerships, urban diplomacy, international cooperation

¹ M.A. in International Relations, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Baratimozhdeh@yahoo.com

² Assistant Professor, University and Higher Research Institute of National Defense and Strategic Research, Tehran, Iran.

Mmahya1392@gamil.com

شهرهای خواهرخوانده: اهمیت و کارایی

سید علی فعال نظری^۱

محسن رستمی^۲

چکیده

شهرها در عصر جهانی شدن، تنها موجودیت‌های جغرافیایی نیستند؛ آن‌ها بازیگران فعال در عرصه بین‌المللی‌اند که می‌توانند بر اقتصاد، فرهنگ و تعاملات اجتماعی تأثیرگذار باشند. یکی از مهم‌ترین سازوکارهای عملی برای تحقق این نقش، برنامه‌های خواهرخواندگی یا شهرهای دوقلو است که امکان تبادل تجربه، دانش، فرهنگ و همکاری‌های اقتصادی میان شهرها را فراهم می‌کنند. این پژوهش به بررسی این پرسش اصلی که اهمیت و کارایی خواهرخواندگی شهرها چیست؟ می‌پردازد و با استفاده از روش تحلیل اسنادی، شواهد تجربی و بررسی نمونه‌های بین‌المللی و داخلی، نشان می‌دهد که چنین روابطی فراتر از جنبه نمادین، ظرفیت‌های واقعی برای تقویت دیپلماسی شهری، توسعه پایدار و شبکه‌سازی فرامرزی ایجاد می‌کنند. یافته‌ها تأکید دارند که موفقیت این برنامه‌ها وابسته به تعریف اهداف روشن، مشارکت فعال نهادهای شهری و توجه به تفاوت‌های فرهنگی است. در نتیجه، خواهرخواندگی شهری ابزاری استراتژیک و عملی برای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی و توسعه شهری محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: شهرها، خواهرخواندگی شهری، دیپلماسی شهری، همکاری بین‌المللی

^۱ کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای و خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه مفید قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Alifaalmofidu@gmail.com

^۲ - دانشیار دانشکده عالی دفاع، تهران، ایران

۱. مقدمه

در عصر جهانی شدن، شهرها نه تنها واحدهای جغرافیایی و سیاسی، بلکه بازیگران مستقل در سطح بین‌المللی هستند که نقش مهمی در توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کنند. افزایش ارتباطات بین‌المللی، نیاز به همکاری‌های میان‌فرهنگی و ایجاد شبکه‌های شهری فرامرزی را برجسته کرده است. این روند نشان می‌دهد که دیپلماسی رسمی دولت‌ها تنها پاسخگوی همه چالش‌های نوظهور جهانی نیست و شهرها به عنوان محورهای عملی تعاملات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده‌اند.

در این زمینه، مفهوم خواهرخواندگی شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال همکاری بین شهرها مطرح شده است. خواهرخواندگی شهری قراردادی است که برای نخستین بار پس از جنگ جهانی اول (۱۹۲۰) میان یک شهر انگلیس و یک شهر فرانسه برقرار شد تا تعامل و پیوند میان شهروندان با توجه به اشتراکات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی تقویت شود (fwsistercities, 2015). این مفهوم بعدها در آمریکا و دیگر کشورها گسترش یافت و بیش از ۵۰۰ شهر ایالات متحده با ۱۴۵ کشور جهان روابط خواهرخواندگی دارند. اتحادیه اروپا از سال ۱۹۸۹ از این برنامه حمایت کرد و در سال ۲۰۰۳ بودجه‌ای معادل ۱۲ میلیون یورو برای بیش از ۱۳۰۰ پروژه بین شهرهای دوقلوی اروپایی اختصاص داد، در حالی که سازمان خواهرخواندگی بین‌المللی (SCI) نیز با هدف تقویت جامعه محلی و انگیزه بخشی به شهروندان و مدیران شهری فعالیت می‌کند (زینلی، ۱۳۸۷).

شهرهای خواهرخوانده، با ایجاد شبکه‌های فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی، ظرفیت مؤثری برای توسعه پایدار، تبادل فرهنگی و ترویج صلح جهانی

فراهم می‌کنند. با این حال، هنوز پرسش‌های مهمی درباره اهمیت واقعی و کارایی این روابط وجود دارد.

پژوهش حاضر باروش تبیینی و با گردآوری داده‌ها و اسناد کتابخانه‌ای تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد و نشان دهد که شراکت‌های خواهرخواندگی چگونه می‌توانند به توسعه پایدار، دیپلماسی شهری و ارتقای همکاری‌های بین‌المللی کمک کنند.

۲. مبانی مفهومی

شهرهای خواهرخوانده (sister cities) به عنوان ابزاری کارآمد در دیپلماسی شهری و شبکه‌های فراملی، نقش مهمی در توسعه شهری و تعاملات بین‌المللی ایفا می‌کنند. این شراکت‌ها که از اقدامات انسان‌دوستانه شهرهای اروپایی آسیب‌دیده از جنگ در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ آغاز شد و بعدها در سطح جهانی گسترش یافت، نمونه‌ای عملی از همکاری فرامرزی میان جوامع شهری با اشتراکات تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی هستند (Ogawa, 2012; Chung & Mascitelli, 2008).

از منظر نظری، تحلیل شراکت‌های خواهرخوانده با استفاده از دیدگاه‌های دیپلماتیک، حاکمیت شهری و شبکه‌های فراملی ممکن است. زیرشاخهٔ حاکمیت شهری، با تمرکز بر پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی و همچنین شیوه‌های مدیریتی کارآمد، نشان می‌دهد که چگونه شهرها می‌توانند از طریق همکاری فرامرزی به اهداف توسعه‌ای و اجتماعی دست یابند (Mascitelli & Chung, 2008). شراکت‌های خواهرخواندگی، با ایجاد شبکه‌های متنوع در حوزه‌های تجاری، آموزشی، فرهنگی و مدنی، زمینه تبادل دانش، اطلاعات و افراد را فراهم کرده و ظرفیت‌های توسعه محلی و بین‌المللی را ارتقا می‌دهند (زینلی، ۱۳۸۷؛ fwsistercities, 2015).

این روابط نه تنها شامل توافقات رسمی و نمادین می‌شوند، بلکه بستری برای تقویت تعاملات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، ارتقای تصویر شهر در سطح جهانی و ترویج صلح و همکاری بین‌المللی فراهم می‌آورند. برای موفقیت این شراکت‌ها، تعریف اهداف روشن، مشارکت نهادهای شهری و بخش خصوصی و توجه به تفاوت‌های فرهنگی ضروری است (قورچی و کاویانی‌راد، ۱۳۹۸).

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر بر ارزیابی اهمیت و کارایی خواهرخواندگی شهری در سه حوزه اصلی متمرکز است: ۱) فرهنگی و اجتماعی: تقویت تفاهم میان جوامع و تبادل فرهنگی، آموزشی و اجتماعی، ۲) اقتصادی و توسعه‌ای: ارتقای همکاری‌های اقتصادی، گردشگری و اشتراک تجربیات مدیریت شهری، و ۳) دیپلماسی شهری و بین‌المللی: ایجاد فرصت‌های گفت‌وگوی بین‌المللی، تقویت برند شهری و حمایت از صلح و همکاری جهانی (قورچی و امانی، ۱۳۸۸؛ مجتهدزاده، ۱۳۸۹).

در مجموع، شراکت‌های شهرهای خواهرخوانده به عنوان سازوکاری عملی و چندبعدی نشان می‌دهند که شبکه‌های فرامرزی میان شهرها می‌توانند نقش کلیدی در توسعه پایدار، تبادل فرهنگی و تقویت دیپلماسی شهری ایفا کنند و ابزار ارزشمندی برای سیاست‌گذاران و مدیران شهری در عصر جهانی‌سازی به شمار می‌آیند.

۳. دلایل ایجاد پیوندهای شهرهای خواهرخوانده

روابط شهرهای خواهرخوانده توجه زیادی از سوی سیاستمداران، فعالان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است تا اهداف و اثربخشی آن‌ها را درک کنند. بخش عمده‌ای از ادبیات پژوهشی بر انگیزه‌های ایجاد این پیوندها تمرکز دارد، که نشان‌دهنده روح همکاری میان شهرها در ارتقای سفر، کسب‌وکار، آموزش و فرصت‌های شغلی است. عوامل هنجاری، ابزاری و تاریخی مختلفی پایه‌گذار ایجاد روابط شهرهای خواهرخوانده هستند. انگیزه‌های هنجاری به تحقق ارزش‌های جهانی مرتبط با صلح، دوستی و تفاهم

متقابل مربوط می‌شوند. برخی پژوهشگران به اهمیت انگیزه‌های سیاستی واسطه‌ای در سطح منطقه‌ای و شناخت منافع حاصل از ارتباط با شهر خواهر اشاره کرده‌اند؛ این انگیزه‌ها مرتبط با وجود تبادلات پیشین نیستند، بلکه با پتانسیل آن‌ها مرتبط‌اند و تصویر منطقه را بهبود می‌بخشند. یک عامل مهم دیگر، تمایل بسیاری از شهرها به یافتن همتایان با جایگاه، اندازه یا توانایی مشابه در سطح جهانی است و روابط شهرهای خواهرخوانده به‌عنوان راه مناسبی برای سنجش چنین تبادلاتی تلقی می‌شوند.

ابتکارات شهرهای خواهرخوانده ریشه در تلاش‌های پس از جنگ برای جلوگیری از تعارضات جهانی آینده و تقویت تبادلات سازنده میان جوامع دارند. از پایان جنگ جهانی دوم، کمک‌های بین‌المللی گسترده به تدریج کاهش یافته است، اما نیاز کشورهای در حال توسعه و گذار به ایجاد روابط سالم با کشورهای توسعه‌یافته همچنان پابرجاست. در این زمینه، برنامه‌های شهرهای خواهرخوانده اهمیت بیشتری یافته و به‌عنوان رویکردی سیاسی و حاکمیتی تلقی می‌شوند، به‌طوری که آرمان‌های ایدئالیستی جای خود را به روابط مؤثر داده‌اند. چنین روابطی هنوز میان شهرهایی با تاریخچه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا طبیعی مشترک برقرار است؛ با این حال، اکنون نقش مهمی برای شراکت‌های اقتصادی، به‌ویژه در ایجاد ارتباط با کشورها یا مناطق با ریسک سیاسی یا آسیب‌پذیری بالقوه، قائل می‌شوند. هدف کلی شهرهایی که در این برنامه‌ها مشارکت می‌کنند، ایجاد آینده‌ای امن‌تر و پایدارتر برای شهروندان خود است (Chung & Mascitelli, 2008; Mascitelli & Chung, 2008).

۴. سازوکارها و شیوه‌های اجرایی در برنامه‌های شهرهای خواهرخوانده

برنامه‌های شهرهای خواهرخوانده (Sister City Programs) شراکت‌های چندوظیفه‌ای میان شهرهای جهان هستند که انواع همکاری را تحت یک مفهوم کلی ترویج می‌کنند. چارچوب‌های حاکمیتی آن‌ها نیز ترکیبی است و مسائل مختلف سیاستی

را در محیط‌های متفاوت پوشش می‌دهد. شراکت‌های خواهرخوانده می‌توانند از طریق قراردادهای رسمی شوند، اگرچه این توافقی‌ها همیشه به شکل اسناد قانونی الزام‌آور نیستند. روابط ممکن است در سطح شهرداری‌ها برقرار شود یا در سطوح مختلف دولت گسترش یابد. نهادهای انسانی، مانند سازمان‌های اداری، ممکن است در هماهنگی این روابط نقش داشته باشند. فعالیت‌های مرتبط با برنامه‌های شهرهای خواهرخوانده نیز بسته به نوع جوامع شرکت‌کننده متفاوت است. فعالیت‌های رایج شامل اجرای مشترک نمایشگاه‌های فرهنگی، برنامه‌های تبادل و آموزش کوتاه‌مدت یا بلندمدت، ترویج گردشگری و برگزاری مراسم دوقلوپی شهرها است (Ogawa, 2012).

یکی از ارکان بنیادین شکل‌گیری شراکت‌های شهرهای خواهرخوانده، نقش سازمان‌های جامعهٔ محلی ساکن است. یکی دیگر از اشکال پشتیبانی برنامه شامل تأسیس نهادهای همکار شهرهای خواهرخوانده است (Mascitelli & Chung, 2008). روابط شهرهای خواهرخوانده می‌تواند از طریق منابع مالی مختلف پشتیبانی شود؛ از بودجه‌های متمرکز ارائه‌شده توسط وزارتخانه‌ها در دولت‌های ملی تا تأمین مالی غیرمتمرکز از طریق کمک‌های مستقل جامعه. اکثر دولت‌های منطقه‌ای ترجیح می‌دهند از بودجه‌های تکمیلی استفاده کنند که بتوانند در کنار بودجه‌های قانونی معمول عمل کنند، در حالی که برخی شهرها که در چارچوب‌های بلندمدت تکمیلی فعالیت می‌کنند، تنها بر اساس جمع‌آوری کمک‌های خارجی برنامه‌های خواهرخوانده را اجرا می‌کنند. دینامیک عملیاتی تبادلات شهری اغلب به شکل ابتکارات دوجانبه هدایت‌شده توسط دولت است، که حمایت متمرکز در ابتدای شراکت‌های خواهرخوانده ارائه می‌شود و سپس به تدریج کاهش می‌یابد (Chung & Mascitelli, 2008).

بدین ترتیب روابط میان شهرهای خواهرخوانده معمولاً بر یک چارچوب چندسطحی از منابع مالی و سازوکارهای اجرایی بنا می‌شود. این منابع می‌توانند شامل بودجه‌های دولتی

ملی یا منطقه‌ای و همچنین حمایت‌ها و کمک‌های غیرمتمرکز از سوی جامعه محلی باشند. بسیاری از دولت‌های منطقه‌ای ترجیح می‌دهند از بودجه‌های مکمل استفاده کنند تا ظرفیت پروژه‌های خواهرخوانده را در کنار بودجه‌های معمولی افزایش دهند، در حالی که برخی شهرها تنها به کمک‌های خارجی برای پیشبرد برنامه‌های خود تکیه می‌کنند. از منظر اجرایی، تبادلات شهری غالباً به شکل طرح‌های مشترک و دوجانبه شکل می‌گیرند؛ در مراحل اولیه، حمایت متمرکز دولت فراهم می‌شود و با گذشت زمان، مسئولیت‌ها به سمت خودگردانی محلی منتقل می‌گردد. این رویکرد تدریجی، علاوه بر ایجاد پایداری مالی، امکان انعطاف‌پذیری و تطبیق فعالیت‌ها با ظرفیت‌ها و نیازهای محلی را نیز فراهم می‌آورد.

۵. تأثیرات استراتژیک خواهرخواندگی

پس از جنگ جهانی دوم، مفهوم شهرهای خواهر و دوقلو برای بازسازی روابط دیپلماتیک و ایجاد اعتماد میان مردم از طریق تبادلات فرهنگی و آموزشی شکل گرفت. در دهه‌های گذشته، این همکاری‌ها بیشتر نمادین و فرهنگی بودند، اما امروزه به ابزاری استراتژیک برای توسعه اقتصادی و تجارت بین‌شهری تبدیل شده‌اند. شهرها با استفاده از ظرفیت‌های منحصر به فرد خود، مانند نیروی کار متخصص، فناوری و موقعیت جغرافیایی، می‌توانند از طریق همکاری با شهرهای خواهر، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تجارت و نوآوری را گسترش دهند. نمونه‌هایی مانند همکاری شیکاگو و مکزیکوسیتی یا هیوستون و شترن نشان می‌دهند که روابط شهرهای خواهر می‌تواند به توافقات اقتصادی، افزایش اشتغال و تقویت رقابت‌پذیری جهانی منجر شود. در واقع، شهرها امروزه موتورهای اصلی رشد اقتصادی و نوآوری در سطح جهانی هستند و موفقیت آن‌ها به توانایی‌شان در مدیریت شبکه‌های منطقه‌ای و بهره‌برداری از فرصت‌های جهانی بستگی دارد. استراتژی مؤثر در روابط شهرهای خواهر شامل انتخاب شریک مناسب، هماهنگی همکاری‌های چندلایه-

شهری، بندری، تجاری و دانشگاهی و تمرکز بر ارزش اقتصادی واقعی این روابط است تا از تبادلات فرهنگی فراتر رفته و به توسعه پایدار و رشد اقتصادی ملموس منجر شود (Cities-today, 2014)

از سوی دیگر خواهرخواندگی شهری (sister city) به عنوان یک سازوکار مؤثر در دیپلماسی عمومی و همکاری‌های بین‌المللی، ظرفیت‌های قابل توجهی برای ارتقای تعاملات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میان شهرها فراهم می‌آورد (موسوی شفایی، ۱۳۸۹). این روابط عمدتاً به وسیله شهرداران و مدیران محلی شکل می‌گیرند و بدون نیاز به قراردادهای رسمی بین دولت‌ها، امکان تبادل تجربه، همکاری علمی و فناورانه، برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های تخصصی و توسعه گردشگری و پروژه‌های مشترک را ایجاد می‌کنند (همان، ۱۳۹۲).

یکی از مهم‌ترین ابعاد خواهرخواندگی شهری، دیپلماسی فرهنگی است. این نوع دیپلماسی، از طریق تبادل ایده‌ها، ارزش‌ها، سنت‌ها و نظام‌های اجتماعی، به تقویت تفاهم میان جوامع و تغییر تصویر ذهنی ملت‌ها کمک می‌کند (گیلیو، ۱۳۸۸). در واقع، فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی به عنوان رکن چهارم سیاست خارجی، نقش زیرساختی در جهت‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشورها دارند و استفاده هوشمندانه از آن‌ها می‌تواند موجب شکل‌گیری اتحادها و همکاری‌های پایدار در سطح بین‌المللی شود (موسوی شفایی، ۱۳۸۹).

در حوزه اقتصادی و توسعه‌ای، شراکت‌های خواهرخواندگی به بازیگران محلی امکان می‌دهد تا از طریق پارادایم‌های دیپلماسی و سیاست‌های فرامرزی، ظرفیت‌های اقتصادی، گردشگری و توسعه شهری خود را ارتقا دهند. با کاهش نقش انحصاری دولت‌ها در عصر جهانی‌شدن، شهرها و نهادهای محلی با شبکه‌سازی فرامرزی و همکاری با سازمان‌ها و

بازیگران بین‌المللی، می‌توانند فرصت‌های جدیدی برای سرمایه‌گذاری، تبادل دانش و انتقال فناوری فراهم آورند (Sassen, 2010).

عدم وجود ارزیابی‌های نظام‌مند، انتقال دانش عملی میان برنامه‌های شهرهای خواهرخوانده را محدود می‌کند. این بخش با ارائه تأثیرات مختلف و در نظر گرفتن معیارهای مناسب، به توسعه ادبیات محدود این روابط کمک می‌کند. شراکت‌های شهرهای خواهرخوانده چندین معیار تولید می‌کنند که می‌توان آن‌ها را در چهار دسته نتیجه‌ای اصلی طبقه‌بندی کرد: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دیپلماتیک. شاخص‌های مناسب شامل همکاری تجاری، تبادلات جمعیتی، فعالیت‌های فرهنگی و مشارکت‌های سیاسی هستند. تعیین اثرگذاری دشوار است، زیرا برنامه‌های شهرهای خواهرخوانده به‌ندرت به‌عنوان ابتکار مستقل عمل می‌کنند و بازیگران محلی بسیاری از پیوندها را به‌طور مستقل برقرار می‌کنند (H. Buckley et al., 2015). یک رویکرد ارزیابی مکمل، تأثیرات عینی را از برداشت‌های ذهنی تفکیک می‌کند (Chung & Mascitelli, 2008). معیارهای ارزیابی باید نقش عامل طرف مقابل، تفاوت‌های زمینه‌ای، ظرفیت ارائه خدمات و امکان ایجاد اثرات مثبت و منفی را نیز در نظر بگیرند. به هر حال خواهرخواندگی شهری علاوه بر ایجاد تعاملات فرهنگی و اجتماعی، نقش مهمی در دیپلماسی شهری، توسعه اقتصادی و سیاستگذاری بین‌المللی ایفا می‌کند. این روابط با بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی و فرامرزی، امکان افزایش کارایی سیاست‌های عمومی، ارتقای تصویر شهر در سطح جهانی و تقویت همکاری‌ها برای مواجهه با چالش‌های مشترک را فراهم می‌آورند. در نتیجه، شراکت‌های خواهرخوانده ابزاری استراتژیک و عملی برای شهرها و سیاستگذاران شهری در عصر جهانی‌سازی محسوب می‌شوند و می‌توانند بستری مؤثر برای توسعه پایدار، تبادل فرهنگی و ارتقای دیپلماسی عمومی فراهم کنند (موسوی شقایب، ۱۳۸۹؛ گیلو، ۱۳۸۸؛ Sassen, 2010). برای توضیح دقیق‌تر مثلاً کشور ایران را در نظر بگیرید.

خواهرخواندگی شهری تهران با شهرهای خارجی، فرصت‌های متعددی برای توسعه دیپلماسی شهری و ارتقای دیپلماسی عمومی فراهم می‌کند. عضویت تهران در سازمان‌های تخصصی بین‌المللی مانند سازمان متروپلیس و سازمان شهرهای متحد (UCLG)، حضور فعالانه شهرداری در مجامع بین‌المللی مدیریت شهری، و موقعیت تهران به‌عنوان میزبان مجمع شهرداران آسیایی، زمینه‌ای مناسب برای چانه‌زنی و مشارکت در حکمرانی شهری فراهم می‌آورد. علاوه بر این، جمعیت فراوان تهران و پتانسیل‌های قوی ایرانیان مقیم خارج از کشور، ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی را برای تقویت روابط خواهرخواندگی ایجاد می‌کنند.

تحقیقات نشان می‌دهد که خواهرخواندگی شهرها می‌تواند به‌عنوان یک ابزار استراتژیک برای تقویت همکاری‌های بین‌المللی عمل کند. این برنامه‌ها با ایجاد شبکه‌های محلی و تسهیل تبادل فرهنگی، آموزشی و اقتصادی، فاصله‌های نهادی و فرهنگی میان کشورها را کاهش می‌دهند و سرمایه‌گذاری و تعاملات اقتصادی را تسهیل می‌کنند. علاوه بر این، نقش نهادها و فرهنگ‌های فراملی در موفقیت روابط بین‌المللی قابل توجه است؛ تنوع نهادی و تفاوت‌های فرهنگی در سطح مناطق محلی بر توانمندی شهرها در بهره‌گیری از این همکاری‌ها اثرگذار است. بنابراین، خواهرخواندگی شهری ابزاری عملی و راهبردی برای ارتقای دیپلماسی شهری، توسعه پایدار و شبکه‌سازی فرامرزی محسوب می‌شود برای مثال روابط خواهرخوانده بین چین و کشورهای شریک، از طریق کاهش فاصله‌های فرهنگی و ایجاد اعتماد متقابل، به طور قابل توجهی جریان سرمایه‌گذاری خارجی چین را افزایش می‌دهد. این روابط نه تنها تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به ورود به بازار چین و همکاری با شرکت‌های چندملیتی را تقویت می‌کند، بلکه هزینه‌های تراکنش و ارتباطی ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و زبانی را کاهش می‌دهد. در بستر طرح کمربند و جاده (BRI)، این مکانیسم‌ها نقش بیشتری پیدا می‌کنند، زیرا روابط خواهرخوانده می‌تواند موانع نهادی و سیاست‌های اداری را در کشورهای میزبان تعدیل کند و اثربخشی

سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با BRI را افزایش دهد. یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که تأثیر مثبت این روابط در طول دوره‌های زمانی طولانی‌تر و در هر دو گروه کشورهای عضو و غیرعضو BRI مشهود است، هرچند تعامل بین BRI و روابط خواهرخوانده غالباً مکمل نبوده و در برخی موارد اثر آن نامعنوی یا حتی منفی است. تحلیل بر اساس نوع شرکت‌ها و طبقه‌بندی شهری نیز نشان می‌دهد که شرکت‌های خصوصی چین (POEs) بیشتر از اثرات مثبت BRI بهره می‌برند و سرمایه‌گذاری‌های آنها تحت حمایت محیط بازارمحور تقویت می‌شود. همچنین، تأثیر روابط خواهرخوانده در شهرهای کوچک و فرهنگی دورافتاده‌تر برجسته‌تر است، زیرا این شهرها بیش از سایرین به پل‌های فرهنگی نیاز دارند تا فاصله‌های فرهنگی و نهادی را کاهش دهند. به طور کلی، توسعه روابط خواهرخوانده و هماهنگی آن با سیاست‌های کلان اقتصادی مانند BRI می‌تواند به عنوان یک ابزار استراتژیک برای تقویت نفوذ اقتصادی چین و ارتقای همکاری‌های بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد (tandfonline, 2021).

به علاوه همانطور که بیان شد روابط خواهرخوانده میان شهرها یک ابزار استراتژیک نرم و فرهنگی برای ایجاد و تحکیم ارتباطات بین‌المللی است که فراتر از سطح رسمی دولت‌ها عمل می‌کند. این نوع استراتژی، مبتنی بر «دیپلماسی شهری» و «دیپلماسی فرهنگی» است و هدف آن کاهش فاصله‌های فرهنگی، تقویت اعتماد متقابل، و فراهم کردن بستر همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی است. ظهور برنامه‌های خواهرخوانده پس از جنگ جهانی دوم، پاسخی به شکاف‌های عمیق سیاسی و انسانی آن دوران بود؛ شهرها با ایجاد این روابط، به بازسازی اعتماد و ایجاد پل‌های صلح و همکاری در سطح جامعه پرداختند. این رویکرد، با تکیه بر تعاملات مستقیم مردم، تبادل فرهنگی، و پروژه‌های مشترک، ظرفیت ایجاد تفاهم و همگرایی میان جوامع مختلف را آورد و در عین حال، یک بستر پایدار برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کند.

نمونه‌ای از این رویکرد، همکاری شهرهای Palmerston North در نیوزیلند و Neckargemund در آلمان است که با مشارکت Missoula، به یک رابطه مستمر و معنادار فرهنگی و اجتماعی دست یافته‌اند. این همکاری‌ها از طریق تبادل هنری، فعالیت‌های ورزشی، برنامه‌های آموزشی و جشنواره‌های فرهنگی، موجب تقویت دوستی و شناخت متقابل شهروندان شده و ارزش اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی برای طرفین ایجاد می‌کند. اهمیت این روابط در ارتقای همکاری‌های بین‌المللی، کاهش موانع فرهنگی و نهادی، و ایجاد فرصت‌های مشترک اقتصادی و سرمایه‌گذاری نیز مشهود است. به این ترتیب، روابط خواهرخوانده نه تنها یک نماد فرهنگی و انسانی است، بلکه به عنوان یک ابزار استراتژیک برای تحقق اهداف بلندمدت دیپلماسی شهری و افزایش نفوذ اقتصادی و اجتماعی در سطح جهانی عمل می‌کند (artsmissoula, 2024).

در کل در دنیای امروز، روابط شهرهای خواهر فراتر از جنبه فرهنگی و نمادین رفته و به ابزاری استراتژیک برای توسعه اقتصادی، فنی و فرهنگی تبدیل شده‌اند. برنامه‌هایی مانند سان‌آتونو نشان می‌دهند که با همکاری رسمی شهرها و مشارکت فعال شهروندان، می‌توان تبادلات فرهنگی و آموزشی را با فرصت‌های اقتصادی و نوآوری ترکیب کرد. موفقیت این روابط وابسته به انتخاب شریک مناسب، توافقنامه‌های رسمی، ساختار حمایتی و تمرکز بر همکاری‌های چندلایه-شهری، دانشگاهی و تجاری است و می‌تواند به موتور توسعه پایدار و افزایش رقابت جهانی تبدیل شود (kimberlyhowell, 2024).

تحلیل استراتژیک شراکت‌های خواهرخواندگی در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که این روابط چندلایه، تأثیرات قابل توجهی بر کشورهای مشارکت‌کننده دارند:

۱. تقویت قدرت نرم و نفوذ منطقه‌ای: کشورها با تکیه بر ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی خود، جایگاه خود را در میان کشورهای هدف تقویت کرده و توانسته‌اند نفوذ نرم خود را افزایش دهند.

۲. ایجاد بستر عملی برای همکاری‌های چندجانبه: پیمان‌های خواهرخواندگی، علاوه بر جنبه نمادین، امکان تعامل واقعی در حوزه‌های آموزش، فرهنگ، گردشگری، محیط‌زیست و اقتصاد را فراهم کرده و به کشورهای مشارکت‌کننده ابزارهای عملی برای توسعه همکاری‌های بین‌المللی داده است.

۳. ارتقای تصویر بین‌المللی و دیپلماسی شهری: این روابط امکان نمایش فعال کشورها در پروژه‌های فرهنگی، علمی و اقتصادی را فراهم می‌کند و از طریق دیپلماسی شهری، پیام قدرت نرم و تعهد به همکاری بین‌المللی منتقل می‌شود.

۴. تقویت ظرفیت‌های اقتصادی و نوآوری منطقه‌ای: شراکت‌ها می‌توانند موجب تبادل تجاری، فناوری و همکاری‌های علمی شده و به توسعه اقتصادی و افزایش رقابت‌پذیری منطقه‌ای کمک کنند.

۵. یادگیری و انطباق استراتژیک: تجربه جهانی نشان می‌دهد موفقیت شراکت‌ها مستلزم انتخاب شرکای مناسب، تعریف چارچوب‌های عملیاتی، تطابق فرهنگی و ارزیابی مستمر اثرگذاری است.

در مجموع، شراکت‌های خواهرخواندگی برای کشورها ابزاری چندبعدی است که هم قدرت نرم و نفوذ فرهنگی را تقویت می‌کند، هم فرصت‌های عملی برای همکاری و توسعه اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌آورد و هم جایگاه بین‌المللی کشورها را تثبیت می‌نماید.

۶. مطالعات موردی در مناطق مختلف

شهرهای خواهرخوانده، یا ville-sœurs، شهرها یا شهرک‌هایی در کشورهای مختلف هستند که برای ترویج روابط فرهنگی و تجاری با یکدیگر جفت می‌شوند. این فرم پس از

جنگ جهانی دوم محبوب شد و منجر به ایجاد شراکت‌های دوجانبه برای کسب منافع متقابل شد.

در اوساکای ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، اولین شهر خواهرخوانده مشخص شد و سپس در سال ۱۹۷۷، یک اتحاد با برزیل، برزیل شکل گرفت. شراکت‌ها به‌طور انتخابی انجام می‌شدند و کشورهای هدف طبق قانون تعیین می‌شدند. پروژه‌های مهمی با لس‌آنجلس، آمریکا در سال ۱۹۹۰، تبادل فرهنگی با پرت، استرالیا و مشاوره‌های پزشکی با پکن، چین ایجاد شد.

بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۷، بالتیمور تلاش کرد تا رابطه شهر خواهرخوانده با توکیو، ژاپن برقرار کند. بررسی‌ها نشان داد با توجه به پیوندهای فرهنگی موجود، نیاز به تطابق بهتری وجود داشت. برنامه هلسینکی هنوز منجر به ایجاد شراکت در پنج قاره قابل سکونت شد. بیشترین شریک به کوپو، فنلاند بازگشت و در نتیجه به یکی از سردترین شهرداری‌های جهان دسترسی یافت. داده‌های تجربی قبل و بعد از برنامه‌ها در اکثر برنامه‌ها ناقص بود و بررسی عوامل قابلیت اجرا و فرهنگ انجام شد (Ogawa, 2012).

۷. اهمیت خواهرخواندگی برای ایران

برای کشوری مثل ایران باید گفت که ایران همواره رویکردی جهان‌گرایانه و تأثیرگذار در عرصه فرهنگ و سیاست منطقه‌ای داشته است، که ارزش‌های اسلامی و شیعی یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم آن را شکل می‌دهد. پیروزی انقلاب اسلامی باعث تقویت این مؤلفه و افزایش نفوذ فرهنگی و اجتماعی ایران در میان کشورهای مسلمان شد، به‌گونه‌ای که ایران در برخی مناطق به الگویی برای پیشبرد اهداف اسلامی تبدیل شده است. در این زمینه، مفاهیم دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، به‌ویژه در تعاملات فرهنگی و شهری، ابزارهای مؤثری برای ارتقای جایگاه بین‌المللی ایران محسوب می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای عملی در این حوزه، خواهرخواندگی شهری است که امکان تبادل فرهنگی، علمی، اقتصادی و اجتماعی میان شهرها را فراهم می‌آورد و بخشی از استراتژی‌های پارادایمی و دیپلماسی شهری ایران را تشکیل می‌دهد. رشد خواهرخواندگی در ایران، همزمان با روند جهانی آن، نشان‌دهنده ظرفیت قابل توجه این شبکه‌ها در تقویت تعاملات بین‌المللی، بهبود تصویر ایران و بهره‌گیری از فرصت‌های توسعه‌ای و فرهنگی است. بر اساس گزارش‌ها، ایران تاکنون ۱۴۹ قرارداد خواهرخواندگی منعقد کرده است که عمدتاً پس از انقلاب اسلامی بوده است (Shabestan, 1398). این پیمان‌ها علاوه بر جنبه نمادین، بستری برای همکاری عملی در حوزه‌های آموزش، فرهنگ، گردشگری، محیط‌زیست و اقتصاد فراهم می‌کنند و نقش مهمی در تقویت دیپلماسی عمومی و شبکه‌های فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کنند.

جمع بندی

شهرهای خواهرخوانده یا دوقلو روابط همکاری بین شهرداری‌های کشورهای مختلف هستند که پس از جنگ جهانی دوم با هدف تقویت صلح، آشتی، تبادلات فرهنگی و توسعه اقتصادی شکل گرفتند. این روابط با ارتقای درک متقابل، احترام فرهنگی، همکاری اقتصادی، گردشگری و آموزش بین شهرها، فرصت‌های گسترده‌ای برای توسعه اجتماعی و فرهنگی شهروندان فراهم می‌کنند. شهرهای خواهرخوانده زمینه‌ای برای تعامل مستقیم میان مردم از فرهنگ‌ها و جوامع مختلف ایجاد می‌کنند و به تبادل تجارب، سنت‌ها و ارزش‌ها می‌پردازند. این تبادلات فرهنگی نه تنها باعث افزایش درک و احترام متقابل می‌شوند، بلکه زمینه‌ساز همگرایی اجتماعی و ارتقای همبستگی بین ملت‌ها هستند. برنامه‌های فرهنگی، جشنواره‌ها، نمایشگاه‌های هنری و برنامه‌های آموزشی مشترک موجب تقویت ارتباطات انسانی و ایجاد شبکه‌های بین‌المللی پایدار می‌شوند و درک عمیق‌تری از تنوع فرهنگی و مشترکات انسانی را در سطح جهانی ترویج می‌کنند.

مزایای این روابط بسیار گسترده است و شامل افزایش تبادلات فرهنگی، توسعه اقتصادی، فرصت‌های آموزشی، مشارکت اجتماعی و مدنی و ارتقای صلح و ثبات جهانی می‌شود. در حوزه اقتصادی، شهرهای خواهرخوانده با تسهیل تجارت، سرمایه‌گذاری و گردشگری، فرصت‌های اقتصادی جدید ایجاد می‌کنند و نمونه‌هایی مانند تبادل استارت‌آپ‌ها بین آتلانتا و تولوز نشان می‌دهد که این همکاری‌ها می‌توانند نوآوری و کارآفرینی را در سطح جهانی تقویت کنند. از نظر آموزشی، تبادلات دانشجویی و پروژه‌های تحقیقاتی مشترک موجب پرورش شهروندان جهانی می‌شوند که توانایی تعامل مؤثر با فرهنگ‌ها و جوامع مختلف را دارند و شکاف‌های فرهنگی را کاهش می‌دهند. همچنین، فعالیت‌های اجتماعی و مدنی، مشارکت جمعی و همکاری میان شهرها را ارتقا می‌دهند و شهروندان را تشویق به فعالیت‌های مشارکتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌کنند.

شهرهای خواهرخوانده همچنین نقش مهمی در صلح و ثبات جهانی ایفا می‌کنند. با ارتقای احترام متقابل و همکاری بین‌المللی، این روابط زمینه‌ساز ایجاد یک جامعه جهانی به هم پیوسته‌تر و صلح‌آمیزتر هستند. همکاری فرامرزی میان شهرها می‌تواند به تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین کشورها منجر شود و نقش مؤثری در کاهش تنش‌ها و بحران‌های بین‌المللی ایفا کند. با این حال، چالش‌هایی همچون تغییرات سیاسی، تغییر در رهبری و سطوح متفاوت تعهد شهرداری‌ها می‌توانند اثربخشی این برنامه‌ها را تحت تأثیر قرار دهند و مدیریت هوشمندانه، ارزیابی مستمر و بازبینی دوره‌ای برای حفظ دوام و اثرگذاری مشارکت‌ها ضروری است.

آینده روابط خواهرخواندگی به سمت تقویت تبادلات فرهنگی و اقتصادی، پرداختن به چالش‌های جهانی مانند پایداری و سلامت عمومی، و نقش‌آفرینی فعال در دیپلماسی شهری و سیاست خارجی حرکت خواهد کرد. این روابط با ایجاد فرصت‌های تبادل فرهنگی، توسعه اقتصادی، آموزش بین‌المللی و تقویت مشارکت اجتماعی، تاب‌آوری جامعه و توانایی شهرها در مقابله با مسائل پیچیده جهانی را افزایش می‌دهند. شهرهای خواهرخوانده فراتر از نماد دوستی و صلح، به ابزاری مؤثر برای توسعه پایدار، همکاری فرامرزی و پرورش شهروندان جهانی تبدیل شده‌اند و می‌توانند الگویی موفق برای تعاملات بین‌المللی ارائه دهند. از این طریق، آن‌ها نه تنها فرصت‌های اقتصادی و فرهنگی را افزایش می‌دهند، بلکه به ایجاد شبکه‌های همکاری جهانی و توسعه ظرفیت‌های محلی و بین‌المللی کمک می‌کنند و نقش حیاتی در شکل‌دهی به یک جهان متصل، صلح‌آمیز و پایدار ایفا می‌کنند.

منابع

مجتهدزاده، پ. (۱۳۸۹). بررسی الگوهای حل و فصل منازعات و ارائه مدل بهینه حل منازعات سرزمینی. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۵ (۱)، بهار و تابستان.

موسوی شفایی، م. (۱۳۸۹). دیپلماسی شهر ابزاری برای توسعه ملی در عصر فضای جریان‌ها. دانش شهر، ۱۸، شهریور.

زینلی، ه. (۱۳۸۷). خواهرخواندگی شهرها. شهرداری‌ها، ۹ (۹۲)، بهمن.

قورچی، م؛ امانی، م. (۱۳۸۸). دیپلماسی شهری در فرآیند جهانی‌شدن. دانش شهر، ۷، بهمن.

قورچی، م؛ کاویانی‌راد، ج. (۱۳۹۸). بررسی همخوانی دیپلماسی شهری با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی خواهر شهرهای کلان‌شهر تهران. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۵ (۱)، ۶۰-۸۴.

گیلبوآ، ا. (۱۳۸۸). ارتباطات جهانی و سیاست خارجی. ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی. تهران: دانشگاه امام صادق.

Artsmissoula (2024), SISTER CITY PARTNERSHIPS, <https://artsmissoula.org/sister-city-partnerships/>

Buckley, H., Takahashi, A., & Anderson, D. (2015). The role of sister cities' staff exchanges in developing "learning cities": Exploring necessary and sufficient conditions in social capital development utilizing proportional odds modeling.

cities-today (2014), How sister city partnerships can play a new role in a global economy, <https://cities-today.com/how-sister-city-partnerships-can-play-a-new-role-in-a-global-economy/>

- Chung, M., & Mascitelli, B. (2008). The role of sister city relationships in the enhancement of trade: Latrobe City (Australia) and Taizhou (China).
- Fwsistercities. (2015, July 30). History of Sister Cities International: A better world in the making. <https://www.fwsistercities.org/about-us/the-history-of-sister-citiesinternational/>
- kimberlyhowell. (2024), San Antonio Sister Cities Program: Building Global Connections, <https://www.kimberlyhowell.com/san-antonio-sister-cities/>
- Mascitelli, B., & Chung, M. (2008). Using sister city relationships to access the Chinese market.
- Ogawa, A. (2012). Sister city as preservation strategy.
- tandfonline (2021), The Belt and Road Initiative, sister-city partnership and Chinese outward FDI, <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/1331677X.2021.1997618#abstract>